

قرآن کریم و خط مشی‌های سیاسی

نجف لک زایی*، حسین احمدی سفیدان**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۴/۱۹

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی‌های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

چکیده

در جامعه اسلامی قرآن کریم اصلی‌ترین منبع برای سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی است. از این رو انتظار می‌رود که اصول و خط مشی‌های کلان جامعه از قرآن استخراج و خط مشی‌های عمومی در راستای خط مشی‌های مستخرج از قرآن تعیین گردد. در این مقاله در صدیدیم خط مشی‌های سیاسی قرآن را استخراج و طبقه‌بندی کنیم. بر این اساس خط مشی‌ها را به سه قسم، خط مشی‌های فراگیر (ابر خط مشی)، خط مشی‌های هادی و راهنما و خط مشی‌های عمومی تقسیم کرده‌ایم.

ابر خط مشی‌ها و خط مشی‌های هادی سیاسی از قرآن قابل استخراج است اما با توجه به اینکه قرآن به کلیات پرداخته است، خط مشی‌های عمومی در قرآن مورد بررسی قرار نگرفته است چرا که خط مشی‌های عمومی در هر جامعه با توجه به موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی فرق می‌کند. در هر حال خط مشی‌های عمومی باید در راستای ابر خط مشی‌ها و خط مشی‌های هادی تعیین گردد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ابر خط مشی‌های سیاسی، خط مشی‌های هادی سیاسی، خط مشی‌های عمومی، خط مشی‌های راهنما.

مقدمه

قرآن کتاب هدایت است و بیشتر به ساختار جامعه توجه دارد، از این رو کوشیده خیلی عنایت داشته تا ساختار جامعه، سالم و سعادت بخش باشد. یکی از مسائل مؤثر و مهم در ساختار جامعه خط مشی گذاری سیاسی است.

الگوی خط مشی های سیاسی قرآن صرفاً به مباحث عقلانی و برهانی رایج در تصمیم گیری و خط مشی گذاری نمی پردازد، بلکه فراتر از عالم ماده، از قوانین عالم مثال، عالم روح مجرد و الهامات آن، عالم عقل به معنای عالم انتزاع کلیات از مفاهیم جزئی و عالم وحی الهی و قوانین ثابت حاکم بر هستی بهره می جوید و تصمیماتی متین، محکم و مبتنی بر واقعیات عینی را ارائه می دهد. نیل به حقایق محض و نیل به باطن قرآن از طریق شهود حقایق عینی حاصل می شود و برای رسیدن به این حقایق علوم ظاهری کافی نیست. بنابراین در این الگو اصالت با وحی الهی (قرآن کریم) است.

قرآن کریم در زمینه مسائل سیاسی به بیان کلیات و چارچوب کلان بسنده کرده و ابر خط مشی ها و خط مشی های هادی و راهنما را بیان نموده است. خط مشی های عمومی اساساً باید بر اساس این خط مشی های تعیین گردد.

در این مقاله سعی شده خط مشی های سیاسی قرآن با بهره گیری از الگوی سید مهدی الوانی استخراج شود و مورد بررسی قرار گیرد. خط مشی های سیاسی قرآن در دو بعد ابر خط مشی (فراگیر) و خط مشی های هادی و راهنما تبیین شده است. شایان ذکر است که به علت متغیر بودن خط مشی های عمومی با توجه به اقتضائات هر جامعه، قرآن به این خط مشی ها نپرداخته است. قرآن اصول و پایه های خط مشی گذاری را بیان کرده و سایر خط مشی ها باید بر اساس این اصول تعیین و اجرا گردند. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسلامی بودن نظام در تدوین راهبردها و خط مشی های سیاسی باید از قرآن کریم که اصلی ترین منبع برای خط مشی گذاری است استفاده کرد.

تبیین مفهوم خط مشی سیاسی

تعریف خط مشی: خط مشی عبارت از خط سیر و راهی است که انسان در پیش رو دارد (معین، فرهنگ فارسی) و برای رسیدن به اهداف خود باید این مسیر را ببیماید.

سیاست در لغت: سیاست واژه ای عربی است که از ریشه «سوس» گرفته شده است. سوس به معنای ریاست است و زمانی که کسی را به ریاست برسانند گویند: سوسوه و اساسوه (ابن منظور ۱۳۷۴: ج ۶، ۱۰۷). در فارسی سیاست به معنای پاس داشتن ملک، نگاه داشتن، حفاظت، نگاهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت، رعیت داری کردن، ریاست و داوری است (دهخدا (بی تا)، ج ۹).

سیاست در اصطلاح: «علم سیاست، رشته‌ای از آگاهی اجتماعی است که وظیفه آن شناخت منظم اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی میان نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور، و روابط میان دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است» (عالم، ۱۳۷۶: ۳۱).

خط مشی سیاسی: خط‌مشی‌های سیاسی یک حکومت، اصولی هستند که به‌وسیله مراجع ذی‌صلاح در کشور وضع شده‌اند و به‌عنوان الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم در جامعه را رهبری می‌کنند (الوانی، ۱۳۸۷: ۲۲).

در تبیین خط‌مشی‌گذاری می‌توان گفت تشریح فرآیند سیاست‌گذاری، اجرای سیاست‌ها، جاسازی داده‌ها و تهیه تفسیرهایی است که به مسائل سیاست‌گذاری در یک زمان خاص مربوط می‌شود. رویکرد سیاست‌گذاری بر آن نیست که انرژی را بیهوده صرف عناوین موضوعی گوناگون کند، بلکه توجه آن بر مسائل بنیادین و اغلب فراموش شده‌ای است که در تطبیق انسان با جامعه ظاهر می‌شوند. رویکرد سیاست‌گذاری بدان معنا نیست که یک دانشمند در جمع آوری یا تفسیر داده‌ها، عینیت‌گرایی را به کنار نهد یا آنکه دست از کامل کردن ابزارهای تحقیق خود بردارد. سیاست‌گذاری بر انتخاب مسائلی تأکید دارد که در ارزش‌های هدف فرد دانشمند و استفاده از عینیتی دقیق و حداکثر هوش فنی در اجرای پروژه‌های تهیه شده مشارکت داشته باشد (پارسونز، ۱۳۸۵: ۴۲). آن چیزی که در سیاست‌گذاری اهمیت دارد و باید بر آن تأکید کرد تعیین خط‌مشی است.

ابعاد الگوی خط‌مشی‌های سیاسی

خط‌مشی‌های فراگیر (ابر خط‌مشی)^۱

خط‌مشی‌های فراگیر حاوی پیش‌فرض‌ها، معیارها، الگوها و رهنمودهایی است که خط‌مشی‌های عمومی باید از آنها تبعیت کنند. این خط‌مشی‌ها نوعی ابرخط‌مشی‌های جزئی و قابل تمایزند. خط‌مشی‌های فراگیر، آیین‌نامه تمام‌نمایی از ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه خاص هستند.

ویژگی‌های اصلی خط‌مشی‌های فراگیر

۱. **دارا بودن هدف‌های کلی و فراگیر:** هدف‌های کلی بخش اصلی خط‌مشی‌های فراگیر را تشکیل می‌دهند و تصمیم‌گیرندگان در انتخاب خط‌مشی‌های عمومی، از آنها بهره‌برداران می‌برند؛ برای مثال اهدافی چون استقلال و آزادی، حفظ تمامیت ارضی کشور، توسعه اقتصادی و... در خط‌مشی‌های فراگیر، اجزای اصلی و عمده را تشکیل می‌دهند.

۲. **تعیین حد و مرز خط‌مشی‌های عمومی:** خط‌مشی‌های فراگیر باید تعیین‌کننده حد و مرز خط‌مشی‌های عمومی باشند؛ به عبارت دیگر، باید حیطه خط‌مشی‌های عمومی در خط

مشی‌های فراگیر معین شود. خط مشی‌های فراگیر مشخص می‌سازد که هر خط مشی عمومی، به چه سازمان‌ها و مراجعی مرتبط می‌شود تا کجا نفوذ می‌کند و تا چه حدی قدرت عمل دارد. **۳. تعیین اولویت زمانی خط مشی گذاری عمومی:** خط مشی‌های فراگیر، تعیین کننده اهداف زمانی خط مشی‌های عمومی می‌باشند. این بُعد خط مشی‌های فراگیر مشخص می‌کند که چه خط مشی‌هایی باید بلافاصله عملی گردند و چه خط مشی‌هایی باید به مرور زمان به انجام رسند؛ به عبارت دیگر، خط مشی‌های فراگیر، تعیین کننده زمان مناسب برای اجرای خط مشی‌های عمومی است در خط مشی‌های فراگیر رابطه بین زمان مورد نیاز و تحقق هدف‌ها سنجیده می‌شود و اولویت زمانی خط مشی‌ها معین می‌گردد. در این راه مسائلی هست مانند حساسیت‌های سیاسی، بحرانی بودن اوضاع اجتماعی، احتیاج فوری به برآوردن یک نیاز و آماده نبودن جامعه برای پذیرش بعضی از مسائل، بر مهلت زمانی خط مشی‌ها و اولویت آنها تاثیر می‌گذارد.

۴. تعیین میزان ریسک پذیری (قبول ریسک): این جنبه از خط مشی‌های فراگیر، میزان مخاطره و ریسکی را که در خط مشی‌های عمومی می‌تواند مورد قبول باشد، معین می‌سازد. این خصوصیت خط مشی به تصمیم گیرندگان کمک می‌کند تا میزان معقول ریسک را در خط مشی‌های مورد نظر خود دریابند. مسلماً خط مشی‌هایی که تغییرات عمده‌ای در بردارند نسبت به خط مشی‌هایی که هدفشان تغییرات جزئی است، مخاطره بیشتری را در پی دارند. **۵. تعیین حدود جزئی یا کلی بودن تغییرات در خط مشی:** این جنبه از خط مشی فراگیر که با خصوصیت قبلی مرتبط است، در تعیین میزان وسعت و تغییرات، عمق تغییرات و زمان آنها خلاصه می‌شود. در این جزء از خط مشی فراگیر تصمیم گیرندگان در می‌یابند که میزان تغییرات در خط مشی‌های مورد نظر، از سه جنبه فوق باید در چه حدی باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، هر قدر میزان متغیر بودن خط مشی بالا باشد ریسک پذیری آن هم بیشتر می‌شود. البته ذکر این نکته ضروری است که تغییرات برنامه ریزی شده در خط مشی‌ها می‌تواند با حداقل ریسک توأم باشد؛ مثلاً استفاده از مطالعات راهنما برای انجام دادن تغییرات عمده در خط مشی‌ها، راهی است که از میزان ریسک در حد قابل توجهی می‌کاهد و میزان عملی بودن تغییرات را روشن می‌سازد.

۶. تعیین میزان جامع یا محدود بودن خط مشی: همان‌طور که از عنوان این خصوصیت خط مشی فراگیر بر می‌آید این جزء تعیین کننده میزان وسعت و محدودیت خط مشی‌های عمومی در موارد و وضعیت‌های گوناگون است؛ برای مثال یک خط مشی که با موضوع رفاه اجتماعی سر و کار دارد نسبت به خط مشی دیگری که درباره بازآموزی است، از وسعت و جامعیت بیشتری برخوردار است. باید یادآور شد، خط مشی‌ای که جامع‌تر و وسیع‌تر باشد، لزوماً از سایر خط مشی‌ها مهم‌تر به شمار نمی‌آید.

۷. گرایش به تعادل یا جهش در خط مشی: یکی از مسائل مهم در خط مشی‌ها این است که خط مشی‌های عمومی در نیل به اهدافشان تا چه حدی باید جهشی یا برعکس، متعادل و تدریجی عمل نمایند؛ برای مثال در صورتی که تغییرات بنیادی، ضمن یک خط مشی جامع مورد نظر باشد، به‌طور متعادل و تدریجی بهتر می‌توان به نتیجه رسید؛ در حالی که در خط مشی‌های محدود، روش جهشی قابلیت عمل بیشتری را داراست.

۸. طراحی پیش فرض‌های مربوط به آینده: وضعیت فعلی در جامعه قابل تعمیم به بسیاری از شرایط آتی نیست و خط مشی‌های آینده باید خصوصیات خاص زمانی خود را داشته باشند؛ از این رو پیش فرض‌هایی در مورد آینده طراحی می‌شود و خط مشی‌های عمومی‌ای که باید از آنها تبعیت کنند، مشخص می‌گردند.

۹. ایجاد بنیادهای نظری برای خط مشی‌ها: خط مشی‌های فراگیر می‌توانند در برگیرنده بنیادهای نظری خط مشی‌های عمومی باشند. نظریه‌های سیاسی، تئوری‌های مدیریت، تئوری‌های رفتاری و سایر تئوری‌های مربوط می‌توانند اساس نظری خط مشی‌های عمومی را تشکیل دهند و در خط مشی‌های فراگیر بیان شوند.

۱۰. تعیین میزان دست‌یابی به منابع و امکانات: خط مشی‌های فراگیر، گویای منابع و امکاناتی هستند که خط مشی‌های عمومی در اختیار خواهند داشت. منابع قابل تخصیص به خط مشی‌های عمومی در این جنبه از خط مشی‌های فراگیر، معین می‌گردد و راهنمای تصمیم‌گیرندگان در انتخاب‌هایشان خواهد بود.

۱۱. تعیین انواع شیوه‌ها و ابزارهای مورد نیاز خط مشی‌ها: وسایل، ابزارها و شیوه‌های مورد نیاز در خط مشی‌های عمومی برای نیل به اهدافشان در این جنبه از خط مشی‌های فراگیر معین می‌گردد. احصا و تعیین این شیوه‌ها و ابزارها به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا روش‌ها و وسایل کارآمد را بشناسند و آثار مثبت و منفی هر یک را تشخیص دهند و پس از ارزیابی صحیح در جای خود از آنها استفاده کنند.

خط مشی‌های هادی و راهنما^۲

در واقع خط مشی‌های راهنما، اصول و پایه‌های خط مشی‌گذاری هستند. خط مشی‌های هادی، به تصمیم‌گیرندگان اطلاعات کافی می‌دهند و با توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی آنان را با فرهنگ خط مشی‌گذاری و نحوه مطلوب تعیین خط مشی آشنا می‌کنند.

هر اندازه در زمینه خط مشی‌های راهنما، سرمایه‌گذاری بیشتر شود و زمان و نیروی بیشتری صرف گردد، در خط مشی‌های عمومی آثار مفیدی به جای خواهد گذاشت و کار خط مشی‌گذاری با سهولت و اثربخشی بیشتری انجام خواهد گرفت.

به کمک خط مشی‌های راهنما می‌توان شیوه‌های مناسب خط مشی‌گذاری را در وضعیت‌های

مختلف شناخت و از خطاها و مخاطرات پیش رو در امان ماند و راه و رسم منظم و قابل اعتمادی برای خط مشی‌گذاری عمومی ارائه داد که در شرایط مختلف کارساز و مؤثر باشد.

خط مشی‌های عمومی^۳

خط مشی عمومی عبارت است از تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که به وسیله مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده حفظ منافع عمومی جامعه می‌باشد، اتخاذ می‌گردد. دولت در مفهوم کلی، یک نهاد قانونی خط مشی‌گذاری عمومی است و به صورت‌های مختلف مانند قوانین، ضابطه‌ها و مقررات به تعیین خط مشی عمومی می‌پردازد. خط مشی عمومی وسیله‌ای برای تعیین اولویت‌ها در انجام دادن امور و فعالیت‌ها در جامعه است. به بیان دیگر، همان‌گونه که هدف‌ها، نتایج مورد نظر را مشخص می‌کنند و برنامه‌ها، راه رسیدن به آنها را روشن می‌سازند، خط مشی‌ها راهنمای عمل هستند و اولویت‌ها و باید‌ها و نباید‌ها را معین می‌کنند. در واقع خط مشی عمومی نشان‌دهنده خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات بخش عمومی است (Dror, 1968: 14). خط مشی عمومی نتیجه و حاصل تصمیم‌های سیاسی مقامات بالای جامعه در مورد تخصیص و توزیع منابع و امکانات بخش عمومی است.

ابرخط‌های سیاسی قرآن ۱. خدامحوری

اولین و مهم‌ترین ابرخط مشی (فراگیر) در عرصه خط مشی‌گذاری از نگاه قرآن خدامحوری و اصالت توحید است. «اساساً مطرح کردن توحید خودش پایه سیاست اسلامی و آغازگر آن است» (معرفت، شماره ۱۵). جامعه الهی بر اصالت توحید استوار است و عقیده به توحید در جامعه آثار و ثمراتی دارد که قطعاً در جوامع غیر الهی وجود ندارد.

جامعه‌های به ظاهر مدنی دنیا یک اصل و هدف را مبنای زندگی اجتماعی قرار داده و آن را برای خود منشأ سعادت به شمار می‌آورد و آن بهره‌برداری از منافع و مزایای دنیوی و بهره‌کشی از طبقه ضعیف برای سود بیشتر است و آن عامل مهمی است که مایه هم‌آوایی و یکپارچگی آنان شده است.

در مقابل، اسلام زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند و اندکی دقت در تعالیم اسلام معلوم می‌سازد که تمام قوانین اسلامی بر اساس توحید وضع شده‌اند.

هرگونه روابط انسانی در حیات اجتماعی - از قبیل روابط فرهنگی و تربیتی، مشارکت تجاری و اقتصادی، قراردادهای سیاسی و نظامی - بر مبنای اصل تنظیم شده‌اند. در حقیقت،

این دسته از مسائل در زندگی اجتماعی، اموری نازل از مقام توحید است و مراتب صاعد آنها همان مقام عالی توحید است، پس توحید جامع همه تعالیم الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) و هدف از بعثت تمام انبیا دعوت به توحید و اجتناب از طاغوت است.

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از پرستش طاغوت اجتناب کنید. خداوند گروهی از آنان را هدایت کرد و گروهی از آنان ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود (نحل (۱۶): ۳۶).

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) توحید را سعادت و بهروزی آور و شرک را عامل سیه‌ورزی و بدبختی مردم دانسته و معتقد است دعوت به خدای یگانه و نفی بت‌ها و عبادت و بندگی خدا با آزادی از دست ستمکاران همراه است؛ از همین رو آن پیامبر رحمت ابتدا می‌خواستند عقیده جامعه را اصلاح کنند و سپس آنها را به سعادت رسانند (جوادی آملی ۱۳۸۷: ۱۹۰).

بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم؛ اینکه چیزی را همتای خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندانان را از (ترس) فقر، نکشید؛ ما شما و آنها را روزی می‌دهیم و به کارهای زشت نزدیک نشوید، چه آشکار باشد چه پنهان و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید، مگر به حق و (از روی استحقاق). این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، تا ببیندیشید (انعام (۶): ۱۵۱).

۲. عدالت محوری

ابر خط مشی بعدی عدالت محوری است. قوام حقیقت حیات انسانی به اصل عدالت است. دادگری همانند اصل توحید ریشه در نظام تکوین دارد: «بالعدل قامت السموات و الارض» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳: ج ۴، ۱۰۳). رعایت قسط و عدل است که انسجام یک نظام را حفظ می‌کند و نادیده انگاشتن آن، مخالفت با نظام طبیعی و اهتمام به آنها هماهنگی با نظام هستی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

قرآن میزان و ترازوی استقامت و معیار عدالت و درستی است؛ بنابراین لازم است که آرا و نظریات افراد با قرآن و کلام الهی سنجیده شود، نه اینکه آرای افراد ملاک سنجش قرار گیرد و قرآن با آن مقایسه گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۱۷).

عمل به عدالت در زندگی اجتماعی از مهم‌ترین تکالیف الهی مسلمانان بوده و ظلم به حقوق دیگران از محرّمات و معاصی بزرگ به شمار می‌آید.

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید. خداوند اندرزه‌های خوبی به شما

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی‌های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

می دهد. خداوند، شنوا و بیناست (نسا (۴): ۵۸).

مسلمانان باید نماد عدالت بوده و هیچ گونه دشمنی نباید آنان را از محور عدل خارج سازد. ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت پیشه کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است و از (نافرمانی) خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است (مائده (۵): ۸).

رعایت اصل عدالت، به حیطة خط مشی گذاری در جامعه مسلمانان محدود نمی شود، بلکه آنان مکلف اند با نامسلمانانی که به آنها ستم نکرده اند با عدالت رفتار کنند: آنها با دقت (به سخنان تو) گوش می دهند تا (دستاویزی پیدا کنند و آن را) تکذیب نمایند؛ و بسیار مال حرام می خورند؛ ولی اگر نزد تو آمدند در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) از آنان صرف نظر کن. و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر داوری کنی با عدالت در میان آنها داوری کن، که خدا عدالت پیشه گان را دوست دارد (مائده (۵): ۴۲).

بنابراین عدالت باید در همه امور رعایت شود. «و هنگامی که (چیزی را برای معامله) پیمان می کنید، حق پیمانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این کار بهتر، و عاقبتش نیکوتر است» (اسرا (۱۷): ۳۵)، و هرگز نباید از اصل عدالت غافل شد، چرا که غفلت از آن مستلزم ناپودی جامعه و ارزش های آن است.

در قرآن به قدری به عدالت توصیه شده که حتی در مقام سخن گفتن و رفتار با یکدیگر هم باید عدالت رعایت شود.

و به مال یتیم جز به بهترین صورت (و برای اصلاح) نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد؛ و حق پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید؛ هیچ کس را جز به مقدار توانایی اش تکلیف نمی کنیم و هنگامی که سخنی می گوئید و داوری می کنید عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد؛ و به پیمان خدا وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند تا متذکر شوید (انعام (۶): ۱۵۲).

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و میان آنها به حق داوری می شود و به آنان ستم نخواهد شد (زمر (۳۹): ۶۹).

محوری ترین اصلی که امام علی (ع) آن را مبنای قبول حکومت معرفی می کند و آن را برای هر حکومتی لازم می دانند، عدالت است. حضرت حکومت را وسیله ای کارساز برای اجرای عدالت می دانست و هدف اساسی حکومت، والاترین ارزش در جامعه و اصل بنیادی در

جهت گیری‌های حکومتی را عدالت می‌داند و عدالت اجتماعی، اقتصادی و قضایی را بهترین خدمت به جامعه معرفی می‌کند. امام (علیه السلام) حتی در مقایسه بین عدل و جود، عدل را افضل معرفی می‌کند که عدل، حرکت مطابق اصل و قابل تحقق توسط همگان است؛ اما جود، مسیری خاص برای گروهی خاص است.

حضرت امام علی (ع) می‌فرماید:

همانا برترین چشم روشنی زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم به رهبر است، که محبت دل‌های رعیت، جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید، و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را بگیرند، و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمامداری، بر مردم ناگوار نباشد (نهج البلاغه: خطبه ۵۳).

۳. امنیت محوری

قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و جانیشینی صالحان در امامت معرفی کرده است.

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده برایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، (به گونه‌ای) که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنان همان فاسقانند (نور (۲۴): ۵۵)

این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت امنیت در حکومت اسلامی است. در سیاستگذاری کلان نباید اصل امنیت را فراموش کرد. امنیت به عنوان یکی از خط مشی‌های کلی باید راهبر و تأثیرگذار در خط مشی‌گذاری عمومی و جزئی باشد. تأمین امنیت از اهداف جهاد اسلامی است.

و با آنها پیکار کنید تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید؛ زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (بقره (۲): ۱۹۳).

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: سرزمینی که امن و آرام بود و همواره روزی‌اش از هر جا می‌رسید اما نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشانید. (نحل (۱۶): ۱۱۲).

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی‌های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

وجود امنیت نه تنها برای داخل کشور اسلامی لازم و ضروری است برای کشورهای همسایه نیز اهمیت دارد، زیرا ناامنی در آنها به کشور اسلامی هم آسیب می‌زند. در نظام سیاسی اسلام، امنیت چتری است که باید همه آحاد و اقشار جامعه از سایه آن بهره‌مند شوند و تنها مجرمان و اخلال‌گران نظم و امنیت جامعه از این چتر امنیتی محروم‌اند و نظام سیاسی، نه تنها در برابر آنان تعهد حفظ امنیت ندارد، بلکه برای حفظ امنیت جامعه، مسئول است که از آنان سلب امنیت کند.

امنیتی که در اینجا مطرح است در تمام ابعاد آن باید رعایت شود اعم از امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قضایی. اگر در تمام اینها امنیت رعایت شود یک نوع آرامش در داخل نظام سیاسی حاکم خواهد شد و علاوه بر آن در روابط خارجی با کشورهای دیگر نیز تأثیرات مثبتی خواهد گذاشت.

خط مشی‌های هادی و راهنمای سیاسی قرآن

۱. حاکمیت شریعت و قوانین الهی در حکومت

حکم راندن و حاکمیت در جامعه بشری، حقی الهی است که از ربوبیت و هدایت خداوندی ناشی می‌شود، و جز او و کسانی که از جانب وی مجازند، کسی حق حکومت و زمامداری بر مردم را ندارد. خداوند این مسئولیت خطیر را بر عهده انبیا که از خصلت عصمت برخوردارند نهاده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۲۳۰).

زمامداری و حکومت کردن برای کسی جایز نیست جز برای خدا، فرمان داده

که غیر از او را نپرستید (یوسف (۱۲): ۴۰).

حکم و فرمان، تنها از آن خداست (یوسف (۱۲): ۶۷).

حکم و فرمان تنها از آن خداست؛ حق را از باطل جدا می‌کند و او بهترین

جداکننده (حق از باطل) است (انعام (۶): ۵۷).

خداوند متعال در جای دیگر به پیامبران خودش دستور می‌دهد بین مردم به حق و عدالت و طبق آیاتی که فرستاده شده است حکومت کنند.

ای داود! ما تو را خلیفه خود در زمین نمودیم تا بین مردم به حق حکومت کنی. ما

کتاب را به تو فرستادیم تا طبق آنچه خدا به تو ارائه داده است بین مردم حکومت

کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی (نساء (۴): ۱۰۵).

مقام حکومت، مقامی است که از مردم اطاعت می‌طلبد و همین اطاعت است که نظم و انسجام

به جامعه می‌دهد و اگر براساس قوانین عادلانه و قسط باشد، می‌تواند حقوق همگان را حفظ

و حراست نماید. اگر رشته این اطاعت، به غیر خدا منتهی شود، جامعه، جامعه کفر یا شرک

است و اگر به خدا منتهی شود جامعه، جامعه توحید است. به همین دلیل است که در حکومت

اسلامی، حقیقتاً حکومت از آن خداست و اطاعت مردم از مقام رسالت و امامت هم حقیقتاً از خداست. (بهشتی، ۱۳۶۰: ۱۲۳). «هر کس مقام رسالت را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است» (نساء (۴): ۸).

۲. امامت و رهبری

خداوند متعال انسان را خلق کرده و برای هدایت آن رسولانی فرستاده است تا به سرمنزل مقصود هدایت نمایند، چرا که بدون راهبری و هدایت امکان رسیدن به تعالی و کمال وجود ندارد. «ما پیامبران را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند» (انبیاء: ۷۳). «ما اراده کردیم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم» (قصص (۲۸): ۵).

قرآن به ما دستور می دهد که خدا و رسول و اولی الامر را اطاعت کنیم. «اطاعت از رسول در حقیقت پذیرفتن اوامر آسمانی خداوند است و در جنبه ولایتی و اجرایی پذیرفتن رهنمودهای ایشان در امور کشورداری است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ج ۴، ۸۵). در حقیقت، مقام رسالت به عنوان نماینده و فرستاده خدا حاکمیت را برعهده دارد و پس از او مقام امامت به عنوان جانشین پیامبر و رهبر مردم، تنها مقامی است که شایسته حکومت و اداره کشور و جامعه اسلامی است و مردم وظیفه دارند همان طور که از خدا اطاعت می کنند، از رسول و امام نیز اطاعت نمایند. ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا را و پیشوایان (معصوم) خود را. و هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (نساء (۴): ۵۹).

«در فرهنگ سیاسی قرآن، امامت به دو گونه آمده است: ۱) امامت انسان‌های پاک و متقی که بر عهده انبیا و برگزیدگان آنها و مستضعفان باایمان و عمل صالح است؛ ۲) امامت بدکاران که از آنها به ائمه کفر (توبه (۹): ۱۲) تعبیر شده است» (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۲۲۲). «روزی فرا می رسد که هر گروهی از انسان‌ها را با امامشان فرا می خوانیم» (اسراء (۱۷): ۷۱).

امامت و رهبری از جمله عوامل مهم و اساسی در تعیین خط مشی به شمار می رود و اگر از رهنمودها و ارشادات آنها مردم بهره بگیرند در همان مسیری حرکت می کنند که خداوند متعال برای رسیدن به کمال ترسیم کرده است و به وسیله رسولانش مردم را راهبری می کند. امامت و رهبری انسان به دلیل پیچیدگی آفرینش انسان و مسائل مربوط به هدایت و سعادت او، جز از طریق گزینش الهی امکان پذیر نیست. در زمان انبیا و ائمه معصومین آنها سکن دار هدایت و راهبری مردم هستند. در زمان غیبت نیز شخصی می تواند راهبری مردم را بر عهده

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی‌های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

گیرد که ویژگی‌هایش را ائمه (علیهم السلام) ذکر کرده‌اند.

۳. امت واحد

قرآن انسان‌ها را علی‌رغم عوامل اختلاف‌انگیز و تمایزها و تفاوت‌های گوناگونی که بین آنها حکمفرماست، مجموعه‌ای همگرا، همگون، متشکل و چون کاروانی منسجم و در حال حرکت به سوی هدف واحد تلقی می‌کنند و او را به یک سازماندهی فراگیر دعوت می‌کند، و این حالت را کیفیت نخستین جامعه بشری و شکل مطلوب و معقول آینده بشر می‌داند (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۲۲۲).

مردم (در نخستین روزهای حیات اجتماعی) امت واحد بودند، از آن پس خداوند انبیا را برانگیخت (بقره (۲): ۲۱۳).

(در آغاز) همه مردم جز امت واحدی نبودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر وعده قطعی پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌شد (و بی درنگ به مجازات می‌رسیدند) (یونس (۱۰): ۱۹).

انسان‌ها جز امت واحد نبودند، از آن پس اختلاف نمودند. این است امتتان که امت واحد است و من نیز پروردگارتان، پس مرا عبادت کنید (انبیاء (۲۱): ۹۲). و این است امت شما که همگی امت واحدی هستید؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید (مؤمنون (۲۳): ۵۲).

۴. شورا و مشورت در امور

مشورت از شور، و شور به معنای استخراج و استنباط است. بدین ترتیب شور و مشورت هم در امور مادی و هم امور معنوی مصداق دارد. به بیان کامل‌تر مشورت عبارت است از «تلاش برای آشکار ساختن امر خوبی که پنهان بوده و عرضه آن به دیگران». همان‌طور که در تعریف ملاحظه می‌شود، سه مرحله یافت، استخراج و عرضه در مشورت وجود دارد. در مرحله نخست باید در جستجوی خیر پنهان کوشید، در مرحله دوم باید در کشف و ظهور خیر و زدودن عوامل اخفا از چهره آن اقدام کرد و در آخرین مرحله، باید خیر و نیکی و صلاح را به دیگران عرضه نمود.

در همه جوامع، مشورت یک ضرورت مهم زندگی اجتماعی و یک اصل مدیریتی است و در اسلام نیز بر این نقش مشورت تأکید کرده است. شورا و مشورت از پایه‌های مهم حکومت اسلامی است. در فرهنگ اسلامی هرگونه تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری باید با مشورت اتخاذ شود. «مشورتی را که قرآن کریم تکریم کرده در کارهایی است که مربوط به امر

مردم است نه امر خدا» (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۳۲۴). بنابراین در اموری که مربوط به حاکمیت الهی است مردم هیچ نقشی ندارند.

در قرآن کریم در زمینه مشورت و شور، آیات چندی آمده است؛ از آن جمله آیه ۳۸ سوره شوری می‌فرماید: «و مؤمنان امورشان را با مشورت با همدیگر انجام می‌دهند». علامه طباطبایی در تبیین معنای آیه می‌نویسد:

مؤمنین کسانی هستند که هر کاری می‌خواهند انجام دهند، برای آن کار شورایی تشکیل می‌دهند تا پیرامونش مشورت کنند. در هر حال چه به آن معنا باشد و چه به این معنا، در این جمله اشاره ای است به اینکه مؤمنین اهل رشدند و کاری انجام می‌دهند که در واقع باید انجام شود و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت می‌کنند و به این منظور، به صاحبان عقل مراجعه می‌نمایند. در نتیجه این آیه شریفه، با آیه شریفه ۱۸ سوره زمر قریب المعنا خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۳).

شورا و همفکری با دیگران یکی از مفاهیم سیاسی قرآن است که خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که در کارهای اجتماعی و عمومی با مردم مشورت کند. قرآن، مشاوره و نظرخواهی را از شخص پیامبر - که معصوم است - آغاز می‌کند: «پیامبر! در کارها با آنان (مؤمنان) مشورت کن» (آل عمران (۳): ۱۵۹). تا این رویه پسندیده در جامعه اسلامی استمرار پیدا کند و بعدها که حیثاً افراد غیر معصوم بر مسند حکومت و رهبری می‌نشینند، به خود اجازه ندهند که خودسرانه تصمیم‌گیری کنند و مردم مسلمان نیز نپسندند و تحمل ننمایند. در صدر اسلام نمونه‌های بارزی از مشورت پیامبر اسلام با اصحابش مشاهده می‌شود. در این زمینه روایات زیاد وجود دارد، از جمله:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی قوی‌تر از مشورت و هیچ عقلی بهتر از تفکر و تدبیر نیست» (مجلسی، بی‌تا: ۱۵، بخش ۴)؛ «کسی که با دیگران مشورت کند یقیناً به راه رشد، هدایت خواهد شد» (حویزی، ۱۳۸۵: ج ۴، ۵۸۴)؛ «دوراندیشی آن است که با صاحب نظران مشورت کنی و به گفته‌های آنان عمل نمایی» (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۵، بخش ۴).

حضرت علی (ع) نیز در مورد مشورت می‌فرماید: «من استبد بر آیه هلاک و من شاور الرجال شار کها فی عقولها (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۱)؛ هر کس در رای و تصمیم‌گیری استبداد پیشه کند، هلاک می‌شود و هر کس با مردم مشورت کند در خرد آنها با آنها شریک می‌شود»؛ «هر کس که مشورت نکند پشیمان می‌شود» (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۵، بخش ۴)؛ «مشورت نمودن همان هدایت و راه یابی است».

در اهمیت شور و مشورت در نهج الفصاحه آمده است که سه چیز عامل حرکت جامعه و استمرار حیات آن می‌باشد، اگر زمامداران شما بهترین شما، و ثروتمندان شما سخاوتمندانان

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی‌های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

بوده و کارهای شما با شور و مذاکره انجام گیرد.

با توجه به احکام شور و شورا در اسلام و با عنایت به شواهد و مصادیق کار شورایی در متون و منابع شرع مبین، چنین برمی آید که شورا از نظر اسلام بر دو قسم باشد: ۱- شورای مفوض؛ ۲- شورای غیرمفوض. شورای مفوض شورایی است که با مطرح کردن مسائل و موضوعات مطرح شده در میان اعضا به شور و مشورت می پردازد و سپس نظر واحدی را اتخاذ می نماید و این نظریه دلیل ماهیت شورای مورد بحث، تصمیم محسوب می گردد و عمل به آن لازم و ضروری است. شورای غیرمفوض شورایی است که قدرت و قوه اجرا به او تفویض نشده و در واقع شورایی است که با مطرح کردن مسائل و موضوعات مطرح شده در میان اعضا، به شور و مشورت می پردازد و نظر واحدی را اتخاذ نموده، به صورت پیشنهادی به مقام اجرایی اعلام می نماید. اگر این پیشنهاد مورد قبول مقام اجرایی واقع شد و آن را مطابق با مصالح تشخیص داد، عمل می کند؛ در غیر این صورت، الزامی در عمل به آن پیشنهاد نخواهد بود (مرکز آموزش شوراهای اسلامی کار، بی تا: ۱۹).

انسان بر اثر مشورت از بهترین اندیشه و نظرها برخوردار می شود و می تواند با توجه به آنها قوی ترین راه حل ها را اتخاذ کند؛ چنانچه امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید: «من استقبال وجوه الآراء عرف مواقع الخطا (جلوه های حکمت، بی تا: ۵۴۰)؛ هر که آرای مختلف را بررسی کند موارد خطا را می شناسد».

از نظر اسلام مطالبی می توانند در شورا مورد بحث و شور قرار گیرد و در مورد آنها اخذ تصمیم شود که خلاف دستورهای الهی نباشند و وجوب و حرمتشان ثابت نشده باشد. در آیه ۳۳ سوره احزاب می خوانیم: «هنگاهی که خدا و رسولش در کاری فرمان دهند، شایسته نیست که مردان و زنان مؤمن در آن کار از سر اختیار، هر گونه که بخواهند عمل کنند». بدین ترتیب اگر مطلبی در قرآن و سنت پیامبر (ص) مشخص نگردیده و راهی برای آن پیش بینی نشده باشد، در شورا قابل طرح خواهد بود؛ به عبارت دیگر، از نظر اسلام هر چیزی که حرمتش یا وجوبش مسلم نباشد و اسلام مباحث کرده باشد قابل شور و مشورت است (سمینار بررسی نظام شورایی: ۱۲).

۵. استقرار و گسترش عدالت

قرآن کریم یکی از اهداف مهم بعثت انبیا را برقراری عدالت معرفی می کند: «ما رسولان را با براهین روشن به سوی انسانها فرستادیم و به آنها کتاب و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) دادیم تا عدالت را برپا سازند» (حدید (۵۷): ۲۵)؛ «خداوند به عدالت

پیشگی فرمان می‌دهد» (نحل (۱۶): ۹۰)؛ «من مأمورم که عدالت را در میان شما برپا کنم» (شوری (۴۲): ۱۵).

از آیات قرآن استفاده می‌شود که عدالت، انسان را به تقوا و پاکی نزدیک‌تر می‌کند و یکی از نشانه‌های تقوا، عدالت است که اگر رعایت شود هم برای فرد و هم برای جامعه تأثیرگذار خواهد بود. «عدالت را پیشه خود سازید، زیرا که عدالت به تقوا و پاکی نزدیک‌تر است» (مائده (۵): ۸). در جای دیگر خداوند متعال به پیامبران و رهبران دستور می‌دهند که براساس عدالت در بین مردم حکم کنند: «هرگاه در میان مردم حکم می‌کنید، باید براساس عدالت باشد» (نساء (۴): ۵۸).

عدالت تنها چیزی است که با اجرای آن حکومت پابرجا می‌ماند و اگر در جامعه‌ای عدالت حکمفرما نباشد و ظلم و ستیز بی‌داد کند آن حکومت دوام چندانی نخواهد آورد.

۶. پایبندی به پیمان‌ها و قراردادها

در قرآن وفای به عهد و مسئولیت در برابر قرارداد و پایبندی در مورد معاهدات، علامت صدق ایمان و نشانه تقوا شمرده شده است. «آنها که به هنگام تعهد به عهدشان وفادارند، آنان مؤمنان واقعی و راستگو و متقیان‌اند» (بقره (۲): ۱۷۷)؛ «اگر از شما برای دینشان یاری طلبیدند، یاری کنید، مگر آنکه یاری شما اقدامی بر علیه گروهی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است» (انفال (۸): ۷۲)؛ «مادام که آنها در پیمانشان ایستاده‌اند، شما نیز بایستید» (توبه (۹): ۷).

۷. صلح و جهاد در راه خدا

یکی از اصول سیاسی که در قرآن بر آن تأکید شده صلح است. تا جایی که امکان داشته باشد برای رفع خصومت و اختلافات بین‌المللی باید از توسل به خشونت جلوگیری کرد. ایجاد صلح و تلاش برای مصالحه و حکمیت، شیوه انسان دوستانه‌ای است که قرآن آن را به جای رفتارهای خشونت‌آمیز در حل اختلافات بنیان نهاده است:

بر و تقوا پیشه کنید و میان مردم صلح برقرار نمایید (بقره (۲): ۲۲۴).
اگر دو گروه به جنگ یکدیگر برخاستند، آن دو را صلح دهید، و اگر یکی از آن دو بر دیگری شورید، با او بجنگید تا تن به امر خدا دهد، و آن‌گاه که تن به حکم خدا داد، میان آنها به عدالت اصلاح کنید، که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد (حجرات (۴۹): ۹).

جهاد از مفاهیمی است که در قرآن آمده است و پیامبران به آن سفارش کرده‌اند. البته جهاد دارای شرایطی است و هر جهادی مورد قبول و رضای خداوند نیست؛ جهادی اجر و ثواب دارد که در راه خدا و برای خدا باشد: «مؤمنان آنان‌اند که ایمان به خدا و رسول آورده‌اند و

تردید بی‌دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جان جهاد کرده‌اند» (حجرات (۴۹): ۱۵). در آیه دیگر جهاد در راه خدا را به نفع خود فرد می‌داند، زیرا خداوند بی‌نیاز از همه چیز است: «کسی که جهاد می‌کند به نفع خود اوست، خداوند از جهانیان بی‌نیاز است» (عنکبوت (۲۹): ۶).

۸. قبول پناهندگی پناهجویان

در این مفهوم، خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که هر وقت یکی از مشرکان از تو پناه خواست به او پناه بده و این نشان‌دهنده عظمت اسلام است، که حتی به دشمن خودش پناه می‌دهد: «هر گاه یکی از مشرکان از تو پناه خواست به او امان دهید تا کلام خدا را بشنود و آن گاه به جای امن‌اش برسانید، چرا که آنها گروهی ناآگاه‌اند» (توبه (۹): ۶).

۹. تشکیلات سیاسی و نظامی در جامعه

دو واژه قرآنی «حزب الله» و «جند الله» با مفهوم سیاسی گسترده‌ای که دارند، نشان‌دهنده تشکیلات سیاسی و نظامی در جامعه اسلامی است، که بدون آنکه به گروه و تفکر خاصی وابسته باشد، همه جامعه سیاسی اسلامی را می‌پوشاند. هر فرد مسلمان با هر نوع شاخص اجتماعی و جایگاهی که دارد، می‌تواند در نقش جند الله و حزب الله وظایف سیاسی و نظامی خود را عهده‌دار باشد. حزب الله طیف گسترده اجتماعی، سیاسی است که کلیه نیروهای مسلمان و متعهد را شامل می‌شود و بدون احتیاج به هرم تشکیلاتی، وظایف اعضای آن بنا بر بینش و امکانات موجود مشخص می‌شود. همچنین جند الله نوعی تشکیلات آزاد نظامی است که در درون آن هر فرد مؤمن و متعهد، در موقع ضرورت، مسئولیت خود را در رابطه با جهاد انجام می‌دهد» (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۲۳۲). «و هر که خدا و پیامبرش و مؤمنان را به دوستی و سرپرستی برگزیند» از حزب الله است [و به راستی که حزب الله پیروزند] (مائده (۵): ۵۶)؛ «جند ما هستند که پیروزند» (صافات (۳۷): ۱۷۳).

۱۰. نفی سلطه بیگانه و استبداد

سلطه خارجی و استبداد داخلی را قرآن نفی می‌کند و می‌فرماید: «هرگز خداوند راهی برای سلطه کافران بر مومنان قرار نداده است» (نساء (۴): ۱۴۱)؛ «شما دو نفر (موسی و هارون) به سوی فرعون بروید که او طغیان و سلطه‌جویی را پیشه کرده است» (طه (۲۰): ۴۳). در قرآن علاوه بر اینها آمده است که سلطه را در حق کسی می‌توان انجام داد که به مردم ظلم کرده است: «سلطه را تنها در مورد کسانی می‌توان اعمال کرد که به مردم ظلم کنند» (شوری (۴۲): ۴۲).

۱۱. امر به معروف و نهی از منکر

این مفهوم یکی از مفاهیم اصلی در دین اسلام به حساب می‌آید و جزء فروع دین شیعیان محسوب می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر بیانگر مسئولیت همگانی افراد جامعه است که در برابر جامعه دارند. برای حفظ اصول و ارزش‌های جامعه باید به افرادی که از این اصول تخطی می‌کنند تذکر دهند و راهنمایی کنند. در جامعه اسلامی افراد باید همدیگر را به کارهای پسندیده دعوت کنند و از کارهای ناپسند باز دارند: «مردان و زنان مؤمن از یکدیگرند، دیگران را به عمل پسندیده و سودمند وامی‌دارند و از اعمال ناپسند باز می‌دارند» (توبه (۹): ۷۱). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که حکومت شما به دست بدان شما می‌افتد و دعای شما مستجاب نمی‌شود» (نهج البلاغه: ۴۲۲).

۱۲. ضرورت شناسایی گروه‌های مخالف حکومت اسلامی

قرآن از واژه «ملا» برای ارائه جایگاه اجتماعی گروه‌های مخالف حکومت اسلامی و کسانی به کار می‌برد که تاج و تخت مستکبران را پاسداری می‌کنند، و به منظور حفظ منافع و موقعیت اجتماعی خود، حکومت استکباری را اداره و سیاست مستکبران را بنیان می‌نهند. «ملا» در لغت به گروه ممتازی گفته می‌شود که به خاطر ثروت و قدرت و شوکتشان چشم گیرند، و چشم و دل مردم را با هیبتی که از زر و زور و تزویر به دست آمده پر کرده‌اند» (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۲۲۹).

ملاً طبقه اشراف و حاشیه‌نشینیانی می‌باشند که همواره سخن و فرمان آنها حکم فرماست. مستکبران هر گاه خود نخواهند مستکبری کنند، این مقربان کاخ‌نشین هرگز به نفع مردم رضا نمی‌دهند. اینان کارگزاران و دولت‌مردان اصلی سیاست و حکومت استکبارند که گاه مستکبران، خود آلت دست و دست‌نشانده و مجری مقاصد پلید این جماعت‌اند (همان: ۲۲۹). «ما موسی و هارون را به سوی فرعون و اشراف مملکتش فرستادیم، آنها استکبار ورزیدند و گروهی سلطه‌جو بودند» (مؤمنون (۲۳): ۴۶).

۱۳. جهان شمولی

از دیدگاه قرآن، آیین اسلام، جهان شمول و جاودانه است و رسالت گسترش آن بر عهده همه مسلمان‌هاست و هدف آرمانی همه فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی پیروزی نهایی اسلام بر همه ادیان است. کلیه خط مشی‌گذاری‌ها باید هم‌سو با این هدف و در جهت رسیدن به آن صورت گیرد.

«اوست کسی که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی‌های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

گرداند» (فتح (۴۸): ۲۸)؛ «بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم» (اعراف (۷): ۱۵۸).

نتیجه گیری

خط مشی عبارت از خط سیر و راهی است که انسان در پیش رو دارد و برای رسیدن به اهداف خود باید این مسیر را پیماید و علم سیاست رشته ای از آگاهی اجتماعی است که وظیفه آن شناخت منظم اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی است. با توجه به این دو تعریف می توان گفت: خط مشی های سیاسی اصولی هستند که به وسیله مراجع ذی صلاح در کشور وضع شده اند و به عنوان الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت های لازم در جامعه را رهبری می کنند.

خط مشی را به سه قسم تقسیم کردیم: اول، خط مشی های فراگیر (ابرخط مشی) که حاوی پیش فرض ها، معیارها و الگوها و رهنمودهایی است که خط مشی های عمومی باید از آنها تبعیت کنند؛ دوم، خط مشی های هادی و راهنما که در واقع اصول و پایه خط مشی گذاری هستند؛ سوم، خط مشی های عمومی که تصمیم ها و سیاست های بخش عمومی است که مراجع ذی صلاح از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه اتخاذ می کنند. این خط مشی ها باید در راستای ابرخط مشی ها و خط مشی های هادی اتخاذ گردند.

قرآن کریم در بیان خط مشی های سیاسی در حد کلیات و چارچوب کلان بسنده کرده است و ابرخط مشی ها و خط مشی های هادی را بیان کرده و خط مشی های عمومی و جزئی باید براساس این خط مشی ها تعیین گردد.

ابرخط مشی های سیاسی قرآن به سه محور تقسیم می شود: خدامحوری؛ جامعه الهی بر اصالت توحید استوار است و عقیده به توحید در جامعه آثار و ثمراتی دارد که قطعاً در جوامع غیرالهی وجود ندارد. توحید، سعادت و بهروزی آور است، ولی شرک عامل سیه ورزی و بدبختی است.

ابرخط مشی بعدی عدالت محوری است، قوام حقیقت حیات انسانی به اصل عدالت است. دادگری همانند اصل توحید ریشه در نظام تکوین دارد: «بالعدل قامت السموات و الارض». رعایت قسط و عدل است که انسجام یک نظام را حفظ می کند. قرآن میزان و ترازوی استقامت و معیار عدالت و درستی است. محوری ترین اصلی که امام علی (ع) آن را مبنای قبول حکومت معرفی می کند و آن را برای هر حکومتی لازم می داند، عدالت است.

ابرخط مشی سوم امنیت محوری است. قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و جانشینی صالحان در امامت معرفی کرده است. در نظام سیاسی اسلام، امنیت چتری است که باید همه آحاد و اقشار جامعه از سایه آن بهره مند شوند.

در ادامه این مقاله، خط مشی های هادی و راهنمای سیاسی بیان شده اند. این خط مشی ها که

چهارده مورد است و از قرآن استخراج شده است، به عنوان اصول و پایه های خط مشی گذاری به حساب می آیند. خط مشی های هادی و راهنمای سیاسی قرآن در راستای ابرخط مشی های سیاسی قرآن است و خط مشی های عمومی با محوریت آنها تدوین می شوند.

پی نوشت ها

1. megapolicy
2. metapolicy
3. publicpolicy

منابع

۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، عراق، مطبعه سیدالشهدا، (۱۴۰۳ق).
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار احیا التراث العربی و موسسه التاریخ العربی، (۱۳۷۴).
۱. الوانی، سید مهدی، *تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی*، تهران، سمت، چاپ سیزدهم، (۱۳۸۷).
۲. بهشتی احمد، حکومت در قرآن، قم، دفتر نشر پیام، (۱۳۶۰).
۳. پارسونز، واین، *مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست ها*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، (۱۳۸۵).
۴. جلوه های حکمت، بی جا.
۵. جوادی آملی، عبد الله، *تفسیر انسان به انسان*، قم، اسرا، (۱۳۸۴).
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *نور الثقلین*، تصحیح هاشم رسولی، بی نا، (۱۳۸۵).
۷. دهخدا، علی اکبر (بی تا)، *لغت نامه*، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا.
۸. طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، قم، انتشارات اسلامی، (۱۳۶۸).
۹. طباطبایی، محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴).
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۴۱۷ق).
۱۱. عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی، (۱۳۷۶).
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران، موسسه فرهنگی اندیشه، (۱۳۷۴).
۱۳. قرآن کریم.
۱۴. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیا التراث.
۱۵. معرفت، محمد هادی، *گفتگو با فصلنامه علوم سیاسی شماره ۱۵*.
۱۶. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.

- سال اول
- شماره اول
- تابستان ۹۲

قرآن کریم و
خط مشی های
سیاسی
(۹ تا ۳۰)

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۳).
۱۸. مرکز آموزش شوراهای اسلامی کار، *شورا و مشورت از دیدگاه اسلام*، تهران، وزارت کار و امور اجتماعی مشورت.
۱۹. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، (۱۳۷۹).
۲۰. _____، تفسیر تسنیم، قم، اسراء (۱۳۸۷ الف).
۲۱. _____، تفسیر موضوعی، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، قم، اسراء، (۱۳۷۶).
۲۲. _____، توحید در قرآن، چاپ سوم، قم، اسراء، (۱۳۸۷ ب).
۲۳. _____، جامعه در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، (۱۳۸۷ ج).
۲۴. _____، تفسیر موضوعی قرآن؛ فطرت در قرآن، قم، اسراء، (۱۳۷۸).
۲۵. _____، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم، (۱۳۶۷).
۲۶. _____، پیرامون وحی و رهبری، تهران، انتشارات الزهراء، چاپ سوم، (۱۳۶۶).
۲۷. _____، وحی و نبوت، قم، نشر اسراء، (۱۳۸۸).
۲۸. _____، ولایت فقیه: ولایت فقاهت و عدالت، قم، اسراء، چاپ چهارم، (۱۳۸۳).
۲۹. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ هدایت در قرآن، قم، اسراء، چاپ دوم، (۱۳۸۵).
30. Brian Smith, p.
31. Y. Dror, *Public Policymaking Reexamined*, San Francisco: Chandler31, (1968).